

۹۰/۶/۲۶

• دریافت

۹۰/۱۲/۲۰

• تأیید

ابعاد هوش عاطفی در گفتمان قهرمان مقامات همدانی

دکتر علی‌رضا محمدرضایی*

دکتر عیسی متقی‌زاده**

دانش محمدی***

چکیده

مقامات بدیع‌الزمان همدانی (متوفی ۳۹۸هـ) از جمله شاهکارهای داستانی ادبیات عربی قدیم است. قهرمان داستان مقامات همدانی ادیب دوره‌گردی است که با روش‌های گوناگون و با بهره‌گیری از هوش عاطفی خود، گفتمانش را محقق می‌کند. عملکرد قهرمان مقامات را می‌توان برای تحقق گفتمان خود و اثرگذاری بر گفته‌خوانان، از زاویه‌های گوناگون مورد تحلیل قرار داد. بهره‌گیری از هوش عاطفی، یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی در تحقق و موفقیت گفتمان قهرمان مقامات همدانی است. این پژوهش می‌کوشد با روش توصیفی-تحلیلی به این سؤال پاسخ دهد که قهرمان داستان مقامات همدانی برای خلق گفتمان خود و تأثیرگذاری بیشتر آن در مخاطبان، از چه ابعاد روان‌شناختی استفاده کرده است. از این‌رو، برای پاسخ به این سؤال، ابتدا مراحل خلق گفتمان قهرمان مقامات همدانی با مراجعه به نظریات تحلیل گفتمان، بررسی شد. سپس ابعاد مختلف هوش عاطفی در این مراحل به تفصیل مورد تحلیل قرار گرفت. از جمله یافته‌های پژوهش این است که قهرمان مقامات از یک سو با خویش‌داری و خودکنترلی، اعتماد به نفس و تظاهر به داشتن وجهه اجتماعی بالا، در فراهم کردن شرایط مناسب برای خلق گفتمان خود کوشیده است و از سوی دیگر با استفاده از ارزش‌های دینی و فرهنگی گفته‌خوانان، تلاش می‌کند تأثیر گفتمان خود را در آنان بیشتر کند.

کلید واژه‌ها:

نثر عربی، مدیریت هیجانات، تحلیل روان‌شناختی، گفتمان.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، پردیس قم

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس motaghizade@modaers.ic.ir

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

مقامات از جمله مهم‌ترین گفتمان‌های ادبی رایج در ادبیات قدیم عربی است. در واقع، گفتمان داستانی است که تحلیل و بررسی آن از جنبه‌های مختلف معنانشناسی گفتمان افق‌های تازه‌ای را از این اثر ادبی در مقابل خوانندگان می‌گشاید.

مقامات نوعی داستان یا حکایت کوتاه است که هر یک دربارهٔ حادثه‌ای است که همواره بیشتر از یک مقامه یا جلسه طول نمی‌کشد و با پند یا طنز به پایان می‌رسد (الزیات، بی تا: ۲۴۳). در همهٔ مقامه‌ها گفت‌وگو میان دو نفر در جریان است که یکی از آن دو، عیسی بن هشام راوی داستان و دیگری ابوالفتح اسکندری قهرمان داستان است. ابوالفتح از ادبای دوره‌گرد یا از گدایانی است که از مکانی به مکان دیگر به دنبال مال می‌رود و با فصاحت و بلاغت بیان خود، مردم را فریب می‌دهد. این شخص همیشه با عیسی بن هشام، راوی داستان در شهرهای مختلف روبه‌رو می‌شود. عیسی نیز حکایت‌های تکدی‌گری او را روایت می‌کند (ضیف: ۲۴۷). مقامات بدیع‌الزمان حدود ۴۰۰ داستان کوتاه یا مقامه شامل می‌شود که فقط ۵۱ مقامه از آن باقی مانده است (المقدسی ۱۹۶۸: ۳۷۷).

اینکه قهرمان داستان مقامات از چه فنونی برای تحقق گفتمان خود و تأثیرپذیری آن در گفته‌خوانان استفاده می‌کند، نیاز به نوعی تحلیل بر اساس نظریات روان‌شناسی دارد. در واقع، قهرمان مقامات بیشتر، با استفاده از فنون روان‌شناسی، به اهداف خود که همان تکدی‌گری است، دست می‌یابد. از جنبه‌های روان‌شناسی مهم که می‌توان بر اساس آن، گفتمان قهرمان مقامات همدانی را بررسی کرد، مسئلهٔ هوش عاطفی یا هوش هیجانی است.

پژوهش حاضر می‌کوشد از دیدگاه روان‌شناسی ابعاد هوش عاطفی به کاررفته را در خلق گفتمان قهرمان مقامات و موفقیت آن بررسی کند. پرسشی که در این پژوهش به آن پاسخ داده شده، این است که از لحاظ روان‌شناختی، قهرمان داستان مقامات همدانی از چه جنبه‌های روان‌شناسی در خلق گفتمان خود و تأثیرگذاری بیشتر آن استفاده کرده است. قهرمان مقامات همدانی بر اساس فرضیه مطرح‌شده

برای این پرسش، از نظر روان‌شناختی و از ابعاد هوش عاطفی خود، برای تحقق گفتمان و تأثیرگذاری بیشتر آن استفاده کرده است. مهم‌ترین ابعاد هوش عاطفی که در خلق گفتمان قهرمان مقامات به کار گرفته می‌شوند، دو بعد مدیریت عواطف شخصی و مدیریت عواطف دیگران است.

پیشینه پژوهش

در زمینه این اثر داستانی، پژوهش‌های بسیاری، در کشورهای عربی و ایران، صورت گرفته است که بیشتر آنها یا بر جنبه روایتی آن تاکید و تلاش کرده‌اند تا تشابهات آن را با معیارهای داستانی نوین بررسی کنند یا اینکه به تحلیل زبان مصنوع این اثر پرداخته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها در ایران: پایان‌نامه شیخ سیاه (۱۳۸۴) با عنوان «مقامات بدیع‌الزمان همدانی و حریری در نقد و تطبیق»، مقاله قدمیاری (۱۳۸۴) با عنوان «فرهنگ عامه در مقامات بدیع‌الزمان همدانی» و مقاله مرامی و عبادی (۱۳۸۵) با عنوان «الراوی و مظاهر التلقی فی الأدب الشعبي العربی القديم من المقامه إلى السیره الشعبیه» است. از جمله مهم‌ترین پژوهش‌ها در کشورهای عربی نیز مقاله دقیانی (۲۰۰۹) با عنوان «الراوی و مظاهر التلقی فی الأدب الشعبي العربی القديم من المقامه إلى السیره الشعبیه» و پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمود عمر (۲۰۰۶) با عنوان «مقامات بدیع‌الزمان الهمدانی بین الصنعة و التصنع» است.

البته، مهم‌ترین این پژوهش‌ها چه در ایران و چه در کشورهای عربی کتاب «ایمن بکر» (۱۹۸۸) با عنوان «السردي في مقامات الهمدانی» است که نگارنده در آن به دو جنبه روایتی و متنی مقامات توجه کرده است. همچنین، با استفاده از نظریات روایت‌شناسی جدید به تحلیل این اثر پرداخته است؛ ولی هیچ اشاره‌ای به جنبه‌های روان‌شناختی آن نکرده است.

بنابراین به نظر می‌رسد، این پژوهش که به بررسی برخی از جنبه‌های روان‌شناسی در مقامات می‌پردازد، پژوهش نویی باشد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی است که در آن از نظریات حوزه تحلیل گفتمان و مباحث مطرح شده در حوزه روان‌شناسی استفاده شده است. برای تأیید فرضیه تحقیق، ابتدا با مراجعه به پژوهش‌های روان‌شناسی در حوزه هوش عاطفی، مهم‌ترین ابعاد هوش عاطفی بیان و سپس با استناد به نظریات تحلیل گفتمان، مراحل خلق گفتمان قهرمان مقامات بررسی شد. در مرحله پایانی نیز به صورت عملی و با مثال‌های فراوان، ابعاد هوش عاطفی را که قهرمان مقامات همدانی در مراحل خلق گفتمان خود به کار گرفته است، استنباط شد.

ادبیات نظری

الف. هوش عاطفی (هوش هیجانی)

در سال‌های پایانی سده بیستم، روان‌شناسان با پژوهش‌های خود ابعاد جدیدی از هوش انسان را یافتند که با بهره هوشی (IQ) تفاوت داشت. در گذشته، هرگاه بحث هوش به میان می‌آمد، بی‌درنگ همه به سراغ بهره هوشی می‌رفتند؛ در واقع، بهره هوشی به منزله برجسته‌ترین معیار و شاخص برای پیش‌بینی موفقیت و کامیابی حرفه‌ای و تحصیلی به کار می‌رفت و وجوه دیگر هوش نظیر هوش عاطفی، هوش کلامی و هوش اجتماعی به کلی نادیده گرفته می‌شد. از جانب دیگر همیشه به عواطف به چشم حقارت نگاه می‌شد و افراد را همیشه از این‌که احساساتی یا عاطفی رفتار کنند، بر حذر می‌داشتند. شکست برخی از افراد نخبه با بهره هوشی بسیار بالا، این ایده را قوت بخشید که احیاناً عوامل دیگری به جز بهره هوشی در موفقیت و شکست افراد در عرصه زندگی تأثیرگذار است. از جمله عواملی که نقش چشمگیری بر موفقیت و شکست افراد ایفا می‌کند، هوش عاطفی است. عنوان علمی هوش عاطفی برای نخستین بار در رساله‌ای علمی در مقطع دکترای رشته روان‌شناسی مطرح شد. از آن زمان تا کنون پژوهشگران مختلف، در حوزه‌های گوناگون به پژوهش در این رابطه پرداخته‌اند. در تعریف خود از هوش عاطفی معتقد است که هوش عاطفی توانایی فرد را در حل مسائل و چالش‌های

روزانه نشان می‌دهد که به پیش‌بینی فرد، در موفقیت زندگی کمک می‌کند (بابایی زکلیکی و مؤمنی ۱۳۸۵: ۴۴).

اولین نظریه‌پردازانی که از هوش عاطفی تعریف علمی بیان کردند، پیترو سالوی^۱ و مایر^۲ (۱۹۹۰) بودند که آن را خودکنترلی احساسات شخصی و غیرشخصی، توانایی تشخیص آثار منفی و مثبت عواطف و به‌کارگیری عاطفه برای کمک به اندیشیدن و هموار کردن مسیر تفکر می‌دانند (بار اون^۳ و پارکر^۴ ۲۰۰۰: ۳۸۶). از نظر این دو دانشمند، هوش عاطفی به انسان کمک می‌کند تا بسیار خلاقانه بیندیشد و از عواطف و احساسات خود در حل مسائل و مشکلات استفاده کند (پون تنگ فات^۵ ۲۰۰۲).

گولمن^۶ یکی از مهم‌ترین شخصیت‌هایی است که با انتشار کتاب خود با عنوان «هوش عاطفی» در سال ۱۹۹۵، تعریف تقریباً جدیدی از هوش عاطفی مطرح کرد. از نظر گولمن هوش عاطفی ظرفیت یا توانایی سازماندهی احساسات و عواطف خود و دیگران است که موجب برانگیختن و کنترل مؤثر احساسات خود و استفاده از آن‌ها در رابطه با دیگران می‌شود (گولمن ۱۹۹۸: ۳۱۷).

وی در تشکیل هوش عاطفی چهار عامل را مطرح می‌کند: دانستن احساسات فرد، مدیریت احساسات، برانگیختن خود، درک احساسات در دیگران و ایجاد روابط و هدایت آن. از نظر گولمن، هوش عاطفی مهارتی است که دارنده آن می‌تواند از طریق خودآگاهی، روحیات خود را کنترل کند و با از طریق خود مدیریتی آن را بهبود بخشد. همچنین، می‌تواند با همدلی، تأثیر آن‌ها را دریابد و از طریق مدیریت روابط به شیوه‌ای رفتار کند که روحیه خود و دیگران را بالا ببرد (جولمان ۲۰۰۰: ۵۵).

بنابراین، هوش عاطفی را می‌توان توانایی به‌کارگیری قابلیت‌های عاطفی خود و دیگران، در رفتار فردی و گروهی برای کسب حداکثر نتایج، تعریف کرد.

1. Saloveey
2. Mayer
3. Bar-on
4. parker
5. Poon teng fatt
6. Goleman

ب. ابعاد هوش عاطفی

نظریه پردازان ابعاد مختلفی در زمینه هوش عاطفی مطرح کرده‌اند. بیشتر پژوهشگران مدل هوش عاطفی (هیجانی) را با چهار عامل معرفی می‌کنند: برداشت و اظهار هیجانی: توانایی در درک و ابراز عاطفی که شامل ارزیابی درست عواطف و هیجانات در خود و دیگران می‌شود؛ تسهیل تفکر با کمک هیجان (استفاده از هوش هیجانی): توانایی در به‌کارگیری هیجانات برای تسهیل افکار؛ فهم یا درک هیجانی: شامل تجزیه و تحلیل هیجانات به قسمت‌ها، درک گذر از یک احساس به حس دیگر و درک احساسات پیچیده در شرایط پیچیده؛ مدیریت یا تنظیم هیجانی: توانایی مدیریت احساسات خود و دیگران (اکبرزاده ۱۹۸۳: ۱۰۸ و لاجوردی ۱۳۸۷: ۴۴-۴۵).

گولمن و همکاران وی، مدل کامل‌تری را ارائه داده‌اند که در قالب چهار عنصر معرفی می‌شود:

خودآگاهی: آیا مدیر می‌تواند به‌گونه‌ای صحیح احساسات خود را در هر زمان که بروز می‌کند، تشخیص دهد؟ مثل خودآگاهی عاطفی، خودآگاهی صحیح از خود و اعتماد به خود.

خود مدیریتی: آیا مدیر می‌تواند احساسات خود را به سمت نتایج مثبت مدیریت کند؟ همانند خودکنترلی عاطفی، سازگاری و انگیزه توفیق‌طلبی ابتکار عمل.

آگاهی اجتماعی: آیا مدیر می‌تواند به‌گونه‌ای صحیح احساسات دیگران را هنگام روبه‌رویی با آن‌ها یا در حین کار با آن‌ها تشخیص دهد؟ عینیت آن به صورت همدلی، خدمت محوری و آگاهی سازمانی است.

مدیریت روابط (مهارت‌های اجتماعی): آیا مدیر می‌تواند ارتباطات خود را با دیگران بسیار مؤثر و سازنده مدیریت و به سمت نتایج مثبت هدایت کند؟ همانند پرورش دیگران، نفوذ، ارتباطات، مدیریت تعارض، تصویرسازی، تحلیل تغییر، همکاری و کار تیمی (یعقوبی و دیگران ۱۳۸۸: ۱۲۹، گریوز^۱ و بردبری^۲ ۲۰۰۳ و

1. Greaves
2. Brad berry

استیس^۱ و براون^۲ (۲۰۰۴: ۷).

قطعاً نمی‌توان تمامی ابعاد هوش عاطفی را در مقامات یافت، ولی به تعدادی از این ابعاد اشاره می‌شود که در گفتمان قهرمان مقامات بارز است.

مراحل تحقق گفتمان قهرمان مقامات همدانی

برای تحقق گفتمان و موفقیت آن، چهار مرحله مطرح شده است (شعیری ۱۳۸۱: ۴۵-۵۱). شعیری (۱۳۸۱) در کتابش با عنوان «مبانی معناشناسی نوین»، این چهار مرحله را بسیار خوب توضیح داده است: ۱. مرحله ابتدایی که گفته‌پرداز در آن به «توانش معنایی» نیاز دارد؛ یعنی این که از فکر خوب و اطلاعات کافی برای تولید اثر بهره‌مند است. ۲. مرحله بالقوه است که گفته‌پرداز باید دارای «توانش کیفی» باشد. منظور از توانش کیفی این است که میل به تولید «خواستن»، اجبار یا ضرورت در امر تولید «بایستن»، توانایی به‌کارگیری تجربه و دانش کافی «دانستن» و بهره‌مندی از ابزار و لوازم کافی در امر تولید «توانستن» در گفته‌پرداز وجود داشته باشد (شعیری ۱۳۸۱: ۴۵).

۳. مرحله تصمیم قاطع است که گفته‌پرداز افزون بر توانش معنایی و توانش کیفی، باید «توانش سودایی» لازم را برای تولید گفتمان داشته باشد. توانش سودایی همان میل شدید یا نیروی برخاسته از عشق است که انگیزه حرکت می‌شود. توانش سودایی آخرین مرحله‌ای است که فرد با آفرینش گفتمان فاصله‌ای ندارد. فاعل را در مرحله توانش سودایی فاعل قاطع یا مصمم می‌نامند. در این مرحله، انگیزه انجام چنان زیاد است که گویی در فاعل اجباری و توانش سودایی در گفته‌خوان نیز وجود دارد. توانش سودایی در گفته‌خوان را می‌توان هیجان یا علاقه‌ای دانست که اثر، در هنگام ارتباط در گفته‌خوان ایجاد می‌کند؛ یعنی سبب ایجاد وضع خاص روحی در او می‌شود که در ادامه ارتباط یا ثبات آن مؤثر است. چنین ارتباطی گفته‌خوان را به فاعل عاطفی تبدیل می‌کند. در این مرحله گیرایی اثر به اندازه‌ای است که دیگر روی گردانی از گفته، برای گفته‌خوان ممکن نیست (همان ۴۸ تا ۵۱).

1. Stys & brown

2. Bron

۴. «مرحله چهارم و پایانی نیز مرحله بالفعل است که گفتمان شکل گرفته و توانش گفته‌پرداز به «توانش قطعی یا کنش» رسیده است» (همان ۴۹).
 عامل فاعلی (قهرمان) مقامات همدانی نیز مراحل چهارگانه مذکور را برای تولید گفتمان خود و موفقیت‌آمیز بودن آن طی می‌کند. قهرمان داستان با داشتن «توانش معنایی» وارد مرحله «توانش کیفی» می‌شود. قهرمان در این مرحله گاهی با عامل جبر و اجبار به سمت خلق گفتمان خود پیش می‌رود. برای مثال، در مقامه «ارمنیه» قهرمان داستان که دچار گرسنگی شدید است و نیاز به غذا دارد، مجبور می‌شود برای به‌دست‌آوردن نان و غذا به نانوايي و مغازه برود و گفتمان خود را خلق کند (الهمدانی ۲۰۰۲: ۱۵۳). در برخی از مقامه‌ها هم قهرمان خلق گفتمان خود مجبور نیست؛ بلکه از روی «میل شدید» به کسب مال و ثروت یا «خواستن»، این کار را انجام می‌دهد.

بنابراین، قهرمان داستان به کسب درآمد تمایل دارد یا از روی اجبار این کار را می‌کند، ولی برای این کار به «دانستن» نیاز دارد. در واقع، در مرحله دانستن، قهرمان داستان مقامات به خوبی می‌تواند داده‌ها را با تجربه و دانش خود به کار گیرد. بعد از مرحله «دانستن» مرحله «توانستن» است که قهرمان با استفاده از روش‌ها و ابزارهای مناسب، گفتمان خود را رقم می‌زند. با این حال، بعد از مرحله دوم یعنی مرحله کیفی هنوز گفتمان قهرمان مقامات خلق نشده است و نیاز به توانش دیگری دارد که همان «توانش سودایی» است.

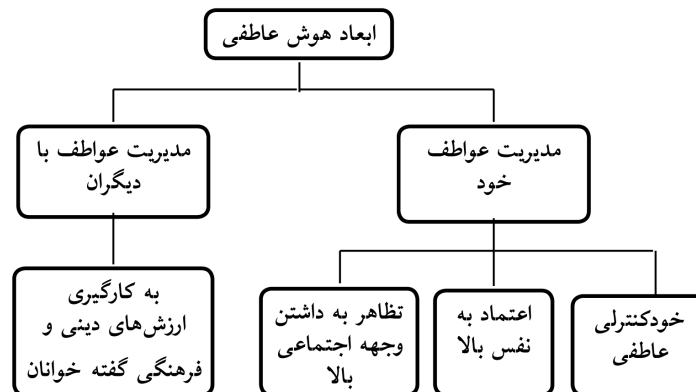
در مقامات توانش سودایی در گفته‌خوان بیشتر مشاهده می‌شود. قهرمان همواره با به‌کارگیری هوش عاطفی بالای خود، توانش سودایی شدیدی در گفته‌خوان به‌وجود می‌آورد که به وضع روحی خاصی در وجود گفته‌خوان منجر می‌شود، به‌گونه‌ای که رویگردانی از ادامه ارتباط برای او امکان‌پذیر نیست. گفته‌پرداز در مقامات با استفاده از ابعاد مختلف هوش عاطفی خود، گفته‌خوانان را از مرحله «بی‌اعتنائی» وارد مرحله «توانش سودایی» می‌کند.

اینکه قهرمان داستان در «توانش کیفی» خود؛ یعنی در مراحل «دانستن» و «توانستن» چگونه به سوی خلق گفتمان خود حرکت می‌کند و مهم‌تر از آن، در

مرحله فاعل قاطع یا مصمم چگونه «توانش سودایی» را در گفته‌خوانان خود برمی‌انگیزد و آنان را از مرحله «بی‌اعتنایی» وارد مرحله «توانش سودایی» می‌کند، به استفاده قهرمان از ابعاد هوش عاطفی خود بستگی دارد. در بخش بعدی، ابعاد هوش عاطفی در مراحل خلق گفتمان قهرمان مقامات بررسی می‌شود.

۱. ابعاد هوش عاطفی در مراحل خلق گفتمان قهرمان مقامات

قهرمان مقامات در مراحل مختلف تحقق گفتمان خود از هوش بالایی استفاده می‌کند که این امر به‌ویژه در مرحله «دانستن»، «توانستن» و مرحله «توانش سودایی» نمود بیشتری دارد؛ زیرا در تمامی این مراحل سعی می‌کند با خویشنداری، اعتماد به نفس و مدیریت عواطف گفته‌خوانان خود، توانش سودایی را در آنان بالا ببرد و گفتمان خود را رقم زند. نمودار زیر ابعاد هوش عاطفی را در خلق گفتمان قهرمان مقامات همدانی نشان می‌دهد.



نمودار ۱: ابعاد هوش عاطفی در تحقق گفتمان قهرمان مقامات

الف) مدیریت عواطف خود

قهرمان مقامات قبل از وارد شدن به مرحله مدیریت عواطف گفته‌خوانان خود، به خوبی عواطف و هیجانات خود را مدیریت و کنترل می‌کند. مدیریت هیجانات شخصی از جمله مهارت‌های مهم هوش عاطفی است که انسان را از هیجان‌های

منفی، اضطراب، بی‌خوابی، بی‌خوابی، فقدان اعتماد به نفس نجات می‌دهد (موسوی لطفی و دیگران ۱۳۸۸: ۴۰).

مدیریت عواطف شخصی در نزد قهرمان مقامات، در سه بعد خویشتن‌داری و خودکنترلی عاطفی، اعتماد به نفس و تظاهر به داشتن وجهه اجتماعی بالا بررسی شدنی است.

خویشتن‌داری و خودکنترلی عاطفی

خودکنترلی عاطفی از مؤلفه‌های مهم مدیریت هیجانی در هوش عاطفی است (موسوی لطفی و دیگران: ۴۴). افرادی که آگاهی هیجانی کمتر نسبت به هیجانات خود دارند، نیاز دارند بیش از حد احساسات خود را بروز و کنترل عاطفی خود را از دست دهند (گاتمن ۱۳۸۷: ۹۲).

در برخی مواقع در داستان‌های مقامات نیز، عامل فاعلی از بروز بیش از حد احساسات جلوگیری کرده و با خودکنترلی عاطفی و خویشتن‌داری توجه دیگران را جلب می‌کند. در این مواقع، وی در مجالس شرکت می‌کند و با خویشتن‌داری و خودکنترلی، در حالی که همه در حال بحث و مبادله نظر هستند، سکوت اختیار می‌کند تا با جلب توجه ناظران و بهتر بتواند گفتمان خود را خلق کند.

در مقامه «فرضیه» این خویشتن‌داری قهرمان داستان به خوبی نمایان است. راوی از مجلسی سخن می‌گوید که همه اهل آن مشغول بحث و مبادله دیدگاه‌ها درباره شاعران هستند. در این هنگام، جوانی ساکت و آرام در گوشه‌ای نشسته است و به سخنان اهل مجلس خوب گوش می‌دهد. این جوان بعد از اینکه جلسه گرم شد و مناقشه بالا گرفت، وارد میدان می‌شود و حاضران را با سخنوری خود مات و مبهوت می‌کند. راوی می‌گوید:

«شابُّ قد جلس غیر بعید ینصت و کانه یفهم و یسکت و کانه لا یعلم حتی إذا مال الکلام بنا میله و جرّ الجدال فینا ذیلہ قال» (الهمدانی ۲۰۰۲: ۱۸).

«جوانی که کمی آن طرف‌تر نشسته است، گوش می‌دهد گویی که می‌فهمد و

ساکت است گویی که چیزی نمی‌داند تا اینکه حدیث ما طول کشید و میانمان مناقشه و جدال در گرفت پس آن جوان گفت:».

در واقع، سکوت، آرامش و خویشتن‌داری جوان یا همان قهرمان داستان، کنجکاوی راوی را به مثابه یکی از حاضران مجلس، برانگیخته است. قهرمان مقامات افزون بر اینکه سخنور بزرگی است، قبل از آغاز بحث و مناقشه با اسلوب‌های این‌چنینی توجه حاضران را به خود جلب می‌کند و بعد از مبهوت کردن، آنان با سخنوری خود و تظاهر به فضل و علم، اعلام می‌کند که با وجود این همه فضل و دانش، به دلیل ناسازگاری روزگار تمام اموال خود را از دست داده است و نیاز شدید به مال دارد؛ این‌چنین سیل بخشش حاضران در مجالس مختلف بر او سرازیر می‌شود.

در مقامه «جاحظیه» هم این اسلوب تکرار می‌شود. راوی داستان از مجلسی می‌گوید که در آن قهرمان داستان ساکت و بدون توجه به دیگران مشغول خوردن غذاست:

«و معنا علی الطعام رجلٌ تُسافرُ یُدُّه علی الخِوان، و تسفرُ بین الأُلوان و تأخذ وجوه الرغفان... و هو مع ذلک ساکتٌ لا ینبس بحرف...» (همان: ۶۷).

«همراه ما بر سر سفره مردی بود که دستش بر جای جای سفره در گردش بود و میان همه غذاها می‌گشت؛ با این وجود حتی یک کلمه هم سخنی بر زبان نمی‌آورد.».

سکوت قهرمان تا زمانی ادامه دارد که وی با آرامش غذای خود را کامل می‌خورد و مناقشه و بحث بالا می‌گیرد. در این هنگام، او وارد بحث می‌شود و دوباره با سخنوری خود حاضران را مبهوت می‌کند و در پایان همان داستان و ذکر مصایب روزگار بر او و از دست دادن تمام اموالش و نیاز شدیدش به مال تکرار می‌شود.

در مقامه «حرزیه»، راوی ماجرای سفر خود را در دریا بیان می‌کند. کشتی در دریا دچار طوفان می‌شود و همه مسافران شروع به ناله و فریاد می‌کنند؛ ولی در

میان مسافران مردی بود که ساکت، خونسرد و بی هیج دادوفریادی در گوشه‌ای نشسته است:

«و فینا رجل لا یخضلُ جفنه، و لا تبتلُ عینه رخى الصدر مُنشرِحه، نشیطُ القلب فرحه، فَعَجِبنا و الله کلَّ العجب» (همان: ۱۰۰).

«در میان ما مردی بود که چشمانش با قطره اشکی خیس نشده بود، صبور، شکیبیا و شاداب نشسته بود. ما از حال او بسیار تعجب کردیم.»

بعد از اینکه همه مسافران کشتی از آرامش و اطمینان قهرمان داستان تعجب می‌کنند، به سراغش می‌روند و راز آرامش او را می‌پرسند و او می‌گوید که حرزی دارد که کشتی را از طوفان نجات می‌دهد. حاضران با هجوم به سوی او آن حرز را با بهای زیادی می‌خرند.

بهره‌گیری قهرمان داستان از ابزار خویشتن‌داری و سکوت در مقامات اهمیت دارد تا جایی که خود قهرمان نیز بر اهمیت سکوت، صبر و خویشتن‌داری تأکید می‌کند. در مقامه «حرزیه» بعد از نجات کشتی، راوی می‌فهمد که آن شخصی که به مسافران حرز فروخته و ادعا داشته است که کشتی را نجات می‌دهد، همان ابولفتح اسکندری، حيله‌گر معروف است. راوی از او می‌پرسد که چگونه توانسته مردم را اینچنین فریب داده است. قهرمان داستان در جواب او می‌گوید:

«ویک لولا الصبرُ ما کنتُ مَلأتُ الکیسَ تیرا

لن ینالَ المجدَ من ضا ق بما یغشاه صدرا» (همان: ۱۰۰).

«اگر صبر و خویشتن‌داری نبود نمی‌توانستم کیسه خود را پر از پول کنم، کسی که سریع خویشتن‌داری و صبر خود را از دست می‌دهد و ناله و فزع می‌کند، نمی‌تواند به مجد و بزرگی دست یابد.»

۲. اعتماد به نفس

خویشتن‌داری و خودکنترلی قهرمان داستان‌های مقامات، همراه با مؤلفه مهم دیگری به نام اعتماد به نفس است که در مدیریت هیجانی نقش مهمی دارد. در مقامات قهرمان با اعتماد به نفس بالایی سخنوری خود را شروع می‌کند.

در مقامه «قریضیه» قهرمان بعد از آنکه با خودکنترلی و خویشنداری خود، توجه حاضران را جلب کرد، با اعتماد به نفس بالایی سخن خود را آغاز می‌کند:

«و لو شئتُ لَلْفِظْتُ و أَفْضْتُ، و لو قُلْتُ لِأَصْدَرْتُ و أوردتُ، و لَجَلوتُ الحَقَّ فی معرض بیانِ یُسمعُ الصُّمَّ...» (همان: ۱۸).

«اگر بخواهم سخنوری خواهم کرد و با کلام خود شما را لبریز می‌کنم و در این مباحثه جولان خواهم داد و با سخن خود که کر را شنوا می‌کند... حق را روشن می‌کنم».

این اعتماد به نفس بالا، قبل از شروع مباحثه، قطعاً توجه حاضران را بیشتر و بیشتر به سوی قهرمان داستان جلب می‌کند.

در مقامه «سجستانیه» نیز ابتدا با اعتماد به نفس بالا، خود را معرفی کرده، سپس در خواست‌های خود را مطرح می‌کند

«من عرفنی فقد عرفنی، و من لم یعرفنی فأنا أعرّفه بنفسی. أنا باکوره الیمن، و أحدثه الزمن..» (همان: ۲۸).

«هر کس مرا شناخت که شناخت، ولی هر کس که نشناخت من خودم را به او معرفی می‌کنم. من آغاز سعادت و خوش‌بینی هستم و آنقدر مشهورم که حدیث هر مجلس و جمعی در مورد من است».

در مقامه «عراقیه» هم عیسی‌بن‌هشام، راوی داستان از گدای سخن‌وری، سخن می‌گوید که از مردم عراق گدایی می‌کرد. راوی از بلاغت و فصاحت او تعجب می‌کند و نزدش می‌رود و از او می‌پرسد که از کجا به این بلاغت و فصاحت دست یافته است. گدا که همان ابولفتح اسکندری قهرمان داستان و متکدی حيله‌گر است، با اعتماد به نفس بالایی می‌گوید:

«مِنَ العِلْمِ، رُضْتُ صِعباً، و خُضْتُ بِحَارَه» (همان: ۱۱۷).

«فصاحت و بلاغت خود را از علم به‌دست آورده‌ام. من سرکشی علم را رام کرده‌ام و در دریایش غوطه‌ور شده‌ام».

۳. تظاهر به داشتن وجه اجتماعی بالا

یکی دیگر از فنون مدیریت هیجانی قهرمان مقامات در بسیاری از مجالس، این است که خود را فردی با وجهه اجتماعی بالا نشان دهد. وی حتی در موقعیت‌هایی که مستقیماً به تکدی‌گری می‌پردازد، بیان می‌دارد که در گذشته از ثروتمندان و متمکنین بخشنده بوده و اصل و نسب شریف و بزرگی دارد، ولی چرخش روزگار او را از مکتب به محنت افکنده است. از این‌رو، او به ناچار به گدایی روی آورده است. او از این طریق می‌کوشد تأثیر بیشتری در مخاطبان خود داشته باشد. در مقامه جرجانیه قهرمان داستان در حین گدایی با اشاره به گذشته پر نعمت خود، می‌گوید: «فلقد کنا والله من أهلِ ثَمٍّ و رَمٍّ، نُرغی لَدی الصبّاح و نُثغی عند الرّواح... ثم إنَّ الدهرَ یا قومُ قلبَ لی مِن بینهم ظهَرَ المِجنِّ، فاعتضتُ بالنوم السهَر، و بالإقامة السفر...» (همان: ۴۷).

«به خدا قسم در گذشته ما از کسانی بودیم که به دنبال اصلاح کار دیگران بودیم و آنقدر بخشنده بودیم که صبحگاهان شتر بخشش می‌کردیم و عصرگاهان گوسفند...؛ ولی روزگار با ما سر ناسازگاری گرفت و از میان آشنایان ثروتمندم، اوضاع مرا به هم ریخت و به فقر دچار ساخت پس مجبور شدم که شب زنده‌داری را بر خواب و سفر را بر اقامت (برای یافتن لقمه‌نانی) ترجیح دهم.» در مقامه «بصریه» فردی به هنگام گدایی از مردم، خود را ثروتمند نشان می‌دهد که به فقر دچار شده است.

«أنا رجلٌ من أهلِ الإسکندیّةِ مِنَ الثغورِ الأمویّةِ، قد وطأ لی الفضلُ کَنَفَهُ، و رَحَبَ بی عیشٌ و نمانی بیت، ثمَّ جعجَعُ بی الدهرُ عن ثَمِّه و رَمِّه...» (همان: ۶۰).

«من مردی از اسکندریه در مرزهای امویان هستم که زندگی پر نعمتی برایم فراهم بود و زندگی به من خوش‌آمد گفته بود و خانه و اموالی داشتم، ولی روزگار از دست من خشمگین شد و مرا از زیاد و کمش محروم ساخت و به خواری دچار کرد.»

۴. کنترل هیجانات گفته‌خوانان

در نظر گولمن، کنترل هیجانات دیگران و استفاده از فنون مؤثر برای متقاعد کردن آنان، از مؤلفه‌های مهم هوش هیجانی است (موسوی لطفی و دیگران ۱۳۸۸: ۳۸). یکی از ابعاد مهم هوش عاطفی در مقامات این است که عامل فاعلی غالباً با درک خوب احساسات و عواطف گفته‌خوانان روزگار خود را و توانسته است با استفاده از فنون مناسب احساسات آنان را بر انگیزد. از جمله مهم‌ترین فنون وی برای برانگیختن احساسات و عواطف مخاطبان، اشاره به ارزش‌های دینی و فرهنگی گفته‌خوانان است. وی از این طریق تلاش می‌کند که تأثیر گفتمان خود را در مخاطبانش بیشتر کند. مقامه «وعظیة» همان‌گونه که از نام آن پیداست، سرشار از وصایا و نصایح دینی قهرمان مقامات به گفته‌خوانان خود است.

«أیها الناس إنکم لم تُترکوا سُدی و إنَّ معَ الیومِ غدا و إنَّکم واردو هوة فاعدوا لها ما استطعتم من قوّة. و إن بعد المعاش معادا...» (الهمدانی ۲۰۰۲: ۱۰۸).

«ای مردم شما در این دنیا بیهوده رها نشده‌اید و قطعاً برای امروز فردایی نیز در کار است و شما وارد پرتگاهی خواهید شد. پس تا می‌توانید برای خود نیرو فراهم آورید و (بدانید که) بعد از زندگی معادی در کار خواهد بود».

در مقامه «مطلبیه» نیز با سخنرانی درباره ارزش‌های دینی برای مردم و اینکه مال دنیا هیچ ارزشی ندارد و به انسان ارزش نمی‌دهد، ارزش مردم را به بخشش مال خود به او تشویق می‌کند:

«هل الدنيا إلّا مُناخٌ راکبٌ و تَعَلَّةٌ ذاهبٌ؟ و هل المالُ إلّا عاریةٌ مُرتجعةٌ و ودیعةٌ منتزعةٌ؟ ینقل من قومِ إلی آخِرین، و تخزنُه الأوائِلُ للآخِرین، هل ترونَ المالَ إلّا عِنْدَ البخلاءِ دونَ الکُرماءِ و الجهالِ دونَ العلماءِ؟» (همان: ۲۰۴).

«آیا دنیا به جز محلی برای سفر مسافر و کاروانسرای برای استراحتش نیست؟ و آیا مال و ثروت به جز امانتی نیستند که بالاخره برگردانده و بازپس گرفته

می‌شوند؟ مال و ثروت از قومی به قوم دیگر منتقل می‌شود و پیشینیان برای نسل‌های بعدی ذخیره می‌کنند. آیا مال و ثروت را به جز نزد بخیلان و نه انسان‌های بخشنده و در نزد جاهلان و نه عالمان می‌بینید؟»

تأثیر استفاده از ارزش‌های دینی در کنترل عواطف گفته‌خوانان مقامات به اندازه‌ای است که راوی در مقامه «اصفهانیه» به خوبی این تأثیر را بیان می‌کند. در این مقامه، راوی در مسجدی در اصفهان برای خواندن نماز جماعت حاضر می‌شود. بعد از نماز، هنگامی که قصد خروج از مسجد را دارد، یک نفر از میان حاضران، که همان قهرمان داستان ابوالفتح اسکندری است، بلند می‌شود و ادعا می‌کند که دیشب خواب پیامبر را دیده است و پیامبر دعایی نوشته و گفته است که او (ابوالفتح) آن را به امتش برساند. او نیز این دعا را با فلان قیمت به مردم می‌فروشد. نکته قابل توجه در گفتمان قهرمان داستان این است که وی قبل از اینکه سخن خود را آغاز کند، با سوء استفاده از ارزش‌های دینی، گفته‌خوانان خود را مجبور به شنیدن گفتمان خود می‌کند:

«من کان منکم یحب الصحابة و الجماعة فلیعرنی سمعه ساعة»

(همان: ۵۰).

«هر کسی از شماها که صحابه را دوست دارد به من گوش فرا دهد»، وی با این جمله همه را مجبور می‌کند از ترس اینکه به آنان تهمت نزنند که دوست‌دار صحابه نیستند، از جای خود بلند نشوند و به سخنان او گوش دهند. راوی که خود قصد خروج از مسجد را داشت، بعد از شنیدن این سخن، می‌گوید:

«فلزمت أَرْضی صیانة لِعَرْضی» (همان).

«پس از جایم تکان نخوردم، مبادا که آبرویم برود». بعد از آن، ابوالفتح بار دیگر تأکید می‌کند که او از پیامبر بشارتی آورده است و آن را بیان نخواهد کرد تا زمانی که خداوند این مسجد را از هر کافر بی‌دینی پاکیزه کند. با این جمله، عملاً جرأت خروج را از همه حاضران از ترس تهمت بی‌دینی می‌گیرد. راوی بعد از شنیدن این سخن می‌گوید:

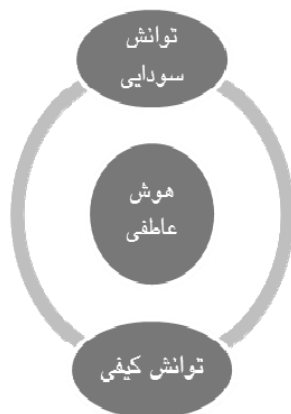
«فربطنی بالقیود و شدتی بالحبال السود (السلاسل الحديدية)» (همان).

« این سخن او) انگار مرا به زنجیرهای آهنی بست و نگذاشت که از جایم تکان بخورم».

در واقع، قهرمان داستان با هوش عاطفی بالای خود و درک ارزش‌های فرهنگی و دینی مخاطبان و با استفاده یا سوءاستفاده از این ارزش‌ها در گفتمان خود، تأثیر گفتمان خود را در گفته‌خوانانش افزایش داده است.

افزون بر ارزش‌های دینی، قهرمان داستان در گفتمان خود همواره از ارزش‌های ادبی مخاطبان نیز بهره می‌گیرد و با مناقشه و بحث پیرامون شاعران و شعر آنان بر مخاطبان تأثیر می‌گذارد. این امر سبب می‌شود که قهرمان در دید گفته‌خوانان فردی عالم و بافضل و کمالات و در عین حال فقیر به نظر آید. از این‌رو، سیل بخشش‌های آنان بر وی سرازیر می‌شود.

در نهایت مشخص شد که قهرمان داستان مقامات در خلق گفتمان خود از ابعاد هوش عاطفی خود به خوبی استفاده کرده است. در واقع، می‌توان گفت که دو توانش «کیفی» و «سودایی» که به «توانش قطعی» یا «کنش» ختم می‌شوند، در گرداگرد «هوش عاطفی» گفته‌پرداز در جریان هستند. داشتن دانش و آگاهی لازم (دانستن)، استفاده از ابزار مناسب برای خلق گفتمان (توانستن) و جلب توجه کامل (توانش سودایی) گفته‌خوانان نیاز به استفاده از ابعاد هوش عاطفی دارد. نمودار زیر این رابطه را نشان می‌دهد:



نمودار ۲: رابطه میان توانش کیفی و توانش سودایی و هوش عاطفی در تولید گفتمان قهرمان مقامات

نتیجه‌گیری

در این مقاله، با بررسی ابعاد هوش عاطفی در تحقق گفتمان قهرمان داستان‌های مقامات همدانی دانستیم که قهرمان داستان‌های مقامات همدانی برای خلق گفتمان خود چهار مرحله توانش معنایی، توانش کیفی، توانش سودایی و کنش را پشت سر می‌گذارد. در مرحله توانش کیفی، در دو بعد «دانستن» و «توانستن» برای موفقیت حداکثری در اجرای دانسته‌ها و استفاده از ابزارها و در مرحله توانش سودایی برای خارج کردن گفته‌خوانان از مرحله «بی‌اعتنایی» به مرحله «توانش سودایی» از ابعاد هوش عاطفی استفاده کرده است. به کارگیری هوش عاطفی در تحقق گفتمان قهرمان مقامات در دو سطح کنترل هیجانات شخصی و کنترل هیجانات گفته‌خوانان نمود پیدا می‌کند. در سطح اول با خویشتن‌داری و خودکنترلی، اعتماد به نفس و تظاهر به داشتن وجهه اجتماعی بالا سعی می‌کند شرایط مناسبی را برای خلق گفتمان خود فراهم و از این طریق بیش از پیش، نظر گفته‌خوانان را به خود جلب کند. در سطح دوم نیز با استفاده از ارزش‌های دینی و فرهنگی گفته‌خوانان تلاش می‌کند تأثیر گفتمان خود را در آنان بیشتر کند. در واقع، قهرمان داستان با اشاره به ارزش‌های دینی و فرهنگی، بیش از پیش توانش سودایی را در گفته‌خوانان خود بالا می‌برد.

منابع

- اکبرزاده، نسرین، ۱۳۸۳، هوش هیجانی (دیدگاه سالوی و دیگران)، تهران: فارابی.
- بکر، ایمن، ۱۹۹۸، السرد فی مقامات الهمدانی، مصر: الهيئة المصریة العامّة للکتاب.
- بابایی زکلیکی، محمدعلی؛ مؤمنی، نونا، ۱۳۸۵، «پژوهشی درباره رابطه هوش عاطفی مدیران و جو سازمانی»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، دوره اول، شماره ۲.
- جولمان، دانیل، ۲۰۰۰، الذکاء العاطفی، ترجمة لیلی الجبالی، الکویت: عالم‌المعرفة.
- دقبانی، عبدالمجید، ۲۰۰۹، «الراوی و مظاهر التلقی فی الأدب الشعبي العربي القديم من المقامة إلى السیرة الشعبية»، مجلة المخبر، الجزائر: جامعة بسكرة.
- الزیات، أحمد حسن، لاتا، تاریخ الأدب العربي، مصر، القاهرة: دار نهضة مصر.
- شعیری، حمیدرضا، ۱۳۸۱، مبانی معناشناسی نوین، چ ۱، تهران: انتشارات سمت.
- شیخ سیاه، محمد، ۱۳۸۴، مقامات بدیع الزمان همدانی و حریری در نقد و تطبیق، استاد راهنما: محمد باقر حسینی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات عربی.

- ضیف، شوقی، (لاتا). الفن و مذاهیه فی النثر العربی، الطبعة التاسعة: مصر دارالمعارف.
- قدمیاری، کرم‌علی، ۱۳۸۴، «فرهنگ عامه در مقامات بدیع الزمان همدانی»، مجله زبان و ادب، بهار، شماره ۲۳.
- گاتمن، جان، ۱۳۸۷، فنون افزایش هوش هیجانی کودکان، ترجمه: منا خاطر، ج ۱، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- لاجوردی، جلیل، ۱۳۸۷، «هوش عاطفی و رهبری سازمانی»، مجله پیام مدیریت، شماره ۲۷.
- محمودعمر، صدام حسین، ۲۰۰۶، مقامات بدیع الزمان الهمدانی بین الصناعة و التصنع، الإشراف: إبراهيم الخواجة، قدمت هذه الأطروحة استكمالاً لمتطلبات درجة الماجستير فی اللغة العربية و آدابها بكلية الدراسات العليا، فلسطين، نابلس، جامعة النجاح الوطنية.
- مرآمی، جلال؛ عبادی، رسول، ۱۳۸۵، «الموازنة بين المقامات المشتركة لدى بدیع الزمان الهمدانی و الحریری»، طهران، جامعة تربیت مدرس، مجلة العلوم الإنسانية، السنة ۱۳، العدد ۴.
- المقدسی، أنیس، ۱۹۶۸، تطور الأساليب النثرية فی الأدب العربی، الطبعة الرابعة، بیروت: دار العلم للملايين.
- موسوی لطفی، مریم و دیگران، ۱۳۸۸، چرا هوش هیجانی، قم: اندیشه فانوس.
- یعقوبی و دیگران، ۱۳۸۸، «بررسی رابطه بین هوش عاطفی و سبک رهبری تحول آفرین»، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، سال نهم، شماره ۱، نیمه اول ۸۸.

Bar-on. R. & Parker. A 2000, «emotional & social intelligence: insights from the emotional quotient inventory»;The handbook of emotional intelligence, san Francisco, ca: jossey bass, pp: 363- 388.

Greavers. J. Bard.B, 2003, team emotional intelligence, available at: www.talentsmart.

Poon teng ,fatt.J. 2002, Emotional intelligence for human resource managers, management research news, vol. 25, no.11,57-74.

Stys.Y. brown.SH, 2004 a review of emotional intelligence literature and implication for correction, research branch correctional service of Canada.